

## نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا

مریم علیمرادی<sup>\*</sup> بهجت نجیبی فینی<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۹)

### چکیده

ادبیات عامه یا همان ادبیات شفاهی، پیشینه ادبیات مکتوب است و ناقلان آن‌ها ضمیر پاک و باصفای مردمانی است که سواد خواندن و نوشتن را نداشتند و جنبه ماندگاری آن، انتقال سینه‌به‌سینه از نسل دیگر بوده است. بخشی از ادبیات عامه و شفاهی، «ترانه‌های عروسی» است که در منطقه‌های مختلف کشور به نام‌های مختلفی از آن یاد می‌شود. در شهرستان فسا این نوع ادبی با عنوان «آسونک یا واستونک» شناخته شده است. مقاله حاضر به بررسی ساختار نحوی این نوع از ادبیات شفاهی از نظر نوع و اجزای جمله، در فرهنگ عامه مردم فسا می‌پردازد. به همین منظور پژوهشگران، ابتدا به صورت میدانی و مصاحبه با زنان سال‌خورده و ترجیحاً بی‌سواد، تعداد ۱۲۷ واستونک از فرهنگ عامه مردم فسا، جمع‌آوری و آوانویسی، آن‌گاه این واستونک‌ها را از لحاظ ساختار نحوی (نوع و اجزای جمله) بررسی کرده‌اند. بر مبنای تحلیلی که در ۱۲۷ واستونک بر اساس نرم‌افزار اس. پی. اس. ۲۵ انجام شد، نتیجه به دست آمده، نشان می‌دهد، بسامد جمله‌های ساده از مرکب بیشتر است و در بیشتر جمله‌های مرکب، حروف هم‌پایه یا وابسته آن به دلیل ریتم و آهنگ شعر حذف است و بعد از تعداد اجزای جمله، جمله‌های سه‌جزئی و چهار‌جزئی بیشترین و کمترین بسامد را در واستونک‌ها داشته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** ادبیات عامه، فسا، واستونک، نوع و اجزای جمله.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس (نویسنده مسئول)

\*b12alimoradi@yahoo.com

۲. مدرس مدعو زبان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور بندرعباس.

## ۱. مقدمه

## ۱ - ۱. بیان مسئله

ادبیات عامه گونه‌ای از ادبیات است که معرف فرهنگ یک جامعه، قوم یا ملت است. بخش گسترده‌ای از فرهنگ و هنر ما، جدای از ادبیات رسمی، بر عهده ادبیات عامه است که از ابتدای خلقت بشری تاکنون هم‌مسیر با دیگر بخش‌های ادبی به راه خود ادامه و سهمی از ادبیات و ذهن و ضمیر مردمان را به خود اختصاص داده است. این نوع ادبی دانشی است که از معلومات و دانش مردم عامی صحبت می‌کند.

مجموع دانستنی‌ها و آداب و رسوم، اعتقادات، خرافات، احساسات، عواطف و آنچه زندگی مادی و معنوی و خصایص ذوقی و روحی توده مردم را دربر می‌گیرد و عامه مردم از گهواره تا گور با آن سروکار دارند و توسط آن‌ها احاطه شده‌اند، جزو همین فولکلور (folklor) یا به تعبیر دیگر فرهنگ مردم محسوب می‌شوند که در میان دانش‌های تازه جایگاه والایی دارد (انجوی شیرازی، ۱۳۸۴: ۱).

ادبیات عامه یا همان ادبیات شفاهی، پیشینه ادبیات مکتوب است و باید به این حوزه از جمع‌آوری فرهنگ کشورمان اهتمام جدی ورزید. این دسته از ادبیات شفاهی که به جنبه کتابت آن کم‌تر توجه شده و پیوسته از سوی افرادی که سواد خواندن و نوشتن نداشتند از روزگار گذشته تاکنون سینه به سینه نقل شده، حاوی بسیاری از نکته‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی است که در معرض خطر نابودی است. هرچند که امروزه پژوهش‌هایی در زمینه ادبیات عامه و فولکلوریک صورت می‌پذیرد؛ اما همچنان، کار پراهمیتی انجام نشده است. بنابراین، لازم است که در هر زمینه از ادبیات شفاهی کشورمان – که خود شناخت زمینه‌های فرهنگی و روان‌شناختی هر قوم را به دنبال دارد و یاریگر ما در کشف بهتر آراء و عقاید و آداب و رسوم اجداد و نیاکانمان است – توجه بیشتری داشته باشیم و جدی به آن پردازیم. «با توجه به اینکه فولکلور مناطق هر کشوری بر غنای فرهنگ و زبان آن کشور می‌افزاید، ثبت آیین‌ها، قصه‌ها، افسانه‌ها و باورهای هر سرزمین و شهر و ده بر تحصیل کردگان آن واجب است» (هدایت، ۱۳۹۴: ۴۸۶). بخشی از ادبیات عامه و شفاهی «ترانه‌های عروسی» است که در منطقه‌های مختلف کشور به نام‌های مختلفی از آن یاد می‌شود و در شهرستان فسا با عنوان «آسونک

مریم علیرادی و همکار

یا واستونک» شناخته شده است. شهرستان فسا - که قدمتی طولانی دارد - و ادبیات عامیانه آن غنی از جهت نوع واژگان خاص و آداب و رسوم ویژه‌ای است، دارای این گونه ترانه‌های شادی‌بخش مراسم عروسی از قرن‌های گذشته است. «استونک‌ها دسته‌ای از ترانه‌های ویژه مراسم عروسی است و در تمام لحظه‌های فرخنده ازدواج از خواستگاری تا عروسی به انحصار مختلف خوانده می‌شود و اغلب به صورت گروهی و با کف‌زدن و پای‌کوبی و دست‌افشانی همراه است» (rstgar fasiyi، ۱۳۷۲: ۱۲۴) و جزئی از بومی‌سرودها به‌شمار می‌آیند. «بومی‌سرودها به اشعاری گفته می‌شوند که شاعران محلی با استفاده از فرهنگ واژگان و درون‌ماهیه‌های بومی منطقه خود آن را می‌سرایند، این ترانه‌ها در ادبیات شفاهی اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا ما را با مفاهیم و اندیشه‌های متعالی آنان آشنا می‌سازند» (ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی، ۱۳۸۸: ۱۴۳). واستونک‌ها مفاهیمی همچون سرور و شادمانی، دغدغه خرج و مخارج ازدواج، سازش‌پذیری عروس با شوهر و بستگانش بعد از ازدواج و بر شمردن او صاف نیک عروس و داماد و ... را دربر دارند و «بیانگر دردها و عقاید توده مردم هستند» (همایونی، ۱۳۵۶: ۸) و بنا به منطقه و اقلیم خاص سرایندگان آن، می‌تواند حاوی واژگان خاص آن منطقه و آداب و رسوم آن اقلیم باشد. این نوع از ترانه‌های محلی که به زبانی ساده سروده شده‌اند، وظیفه حفظ و صیانت از آن ضروری است. این تحقیق که به صورت میدانی و با ضبط صداست، واستونک‌ها را از نظر ویژگی‌های نحوی، هم نوع جمله‌ها از نظر ساده و مرکب بودن و هم اجزای آن‌ها از جهت چند جزئی بودن، بررسی و ارزش زبانی آن‌ها مشخص شده است که این نوع از بیت‌های ساده شعری از جهت دستور زبان ساخت‌گرا چگونه‌اند تا شناخت بهتر و بیشتر ساختار این دسته از ادبیات شفاهی برای ما و دوستداران فرهنگ و ادب عامه، مکشوف و مشخص شود. درواقع، مسئله اصلی تحقیق و هدف نهایی پژوهش، در کنار شناسایی فرهنگ عامه واستونک‌ها، توجه به نحوه دستوری آن‌ها از دو جنبه ذکر شده است.

## ۱ - ۲. پرسش‌های تحقیق

هر چند که پرسش اصلی تحقیق، ساختار نحوی واستونک‌هاست؛ اما بهدلیل عدم آشنایی همه مخاطبان با این نوع از فرهنگ عامه لازم است قبل از پرداختن به موضوع اصلی به شناسایی آن بپردازیم. بنابراین، در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستیم.

۱. واستونک چیست و جزء کدام نوع ادبی است؟
۲. از نظر ساختار نحوی، جمله‌های واستونک‌ها بیشتر ساده یا مرکب‌اند؟
۳. از نظر ساختار نحوی، اجزای جمله‌های واستونک‌ها بیشتر چند جزیی‌اند و این نوع از نحو بیانگر چه مطلبی است؟
۴. حروف هم‌پایه و وابسته، در جمله‌های مرکب واستونک‌ها به چه صورت‌اند؟

## ۱ - ۳. روش و هدف از پژوهش

روش کار در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها میدانی و بر اساس مصاحبه با افراد مسن و ترجیحاً بی‌سواد است. ابزار گردآوری مصاحبه و کتابخانه‌ای است. در نوشتار حاضر، هدف اصلی حفظ و آشنایی بهتر با گوشه‌ای از فرهنگ مردم شهرستان فسا از گذشته‌های دور تاکنون در زمینه ادبیات شفاهی واستونک‌هاست که در حوزه ادبیات رسمی و کتاب‌های ادبی نمی‌توان اطلاعات زیادی از این گونه فرهنگ‌ها به‌دست آورد و این مهم، تنها از طریق ضمیر و صفاتی باطنی مردم و کلام شفاهی آنان دست‌یافتنی است و هدف فرعی این پژوهش به ساختار نحوی واستونک‌های شهرستان فسا از جنبه ساده و مرکب و چندجزئی بودن جمله‌های آن نظر دارد که پس از جمع‌آوری واستونک‌ها به‌صورت شفاهی و ضبط صدا، بررسی و تبیین شده‌اند و از جهت حفظ جنبه بومی بودن آن، همه واستونک‌ها آوانگاری شده‌اند. در اینجا به‌دلیل حجم بالای واستونک‌ها، به تعداد محدودی از آن‌ها بسته می‌شود.

## ۲. پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه تحقیق باید یادآور شویم، از نخستین کسانی که به اهمیت فرهنگ عوام و شناخت خلق‌وخوی و روش و منش قومی توجه کرد، صادق هدایت است و بعد

مریم علیرادی و همکار

از وی نویسنده‌گانی همچون قائم مقام فراهانی، حاج فرهاد میرزای معتمدالدوله، امیر نظام گروسی، دهخدا، ایرج میرزا، عارف، عشقی، فرخی یزدی، بهار، و بسیار کسان دیگر از اهل ادب بعد از انقلاب مشروطیت از زبان و ادب و گاه فرهنگ عوام برای پیش‌برد مقاصد و تأمین مدعای خود استفاده کردند که نوع استفاده آنان سود جستن هنرمندانه و شاعرانه از این گنجینه است نه کار تحقیقی (ر.ک: محجوب، ۱۳۸۲: ۲۱۳). این بزرگواران زمینه را برای پژوهش‌های بهتر و بیشتر فراهم آورdenد. در این بین، کارهای پژوهشی محجوب دارای اهمیت ویژه‌ای و منبع بسیار خوبی در زمینه ادبیات عامه برای پژوهشگران این نوع ادبی است که محققان با توجه به این منبع سترگ و ستودنی، در ادامه کار به دیگر پژوهش‌هایی در زمینه ادب عامه دست یافتند. هرچند که در دهه‌های اخیر اقبال و توجه بیشتری نسبت به گردآوری ادبیات عامه و شفاهی بین پژوهشگران ایجاد شده و گام‌هایی در این راه برداشته‌اند؛ اما همچنان در زمینه این دسته از ادبیات شفاهی «استونک»‌های استان‌های مختلف، از جمله استان فارس و شهرستان فسا، گام‌های اساسی در زمینه نحو آن برداشته نشده است و پژوهشگران و محققان بیشتر به جمع‌آوری و نهایت، درون‌مایه‌های آن پرداخته‌اند، تلاش‌های ستودنی این محققان که به‌نوعی در محدوده موضوع این تحقیق قابل بررسی‌اند، به شرح مواردی که آورده می‌شود، آمده است:

طاهری، فاطمه (۱۳۸۱)، ترانه‌های زندگی زنان. مجموعه واستونک‌های شیراز، نویسنده این کتاب استونک‌های رایج شهرستان شیراز را جمع‌آوری و آوانگاری کرده است.

همایونی، صادق (۱۳۷۹)، ترانه‌های محلی فارس‌شناسی، نویسنده در این کتاب به فولکلور و اهمیت و پیشینه آن و ترانه‌های محلی گذشته پرداخته است.  
فقیری، ابوالقاسم (۱۳۸۵). سیری در ترانه‌های محلی فارس که در آن اشاره‌ای به استونک‌های شیراز کرده است.

مرادی، محمد، «معرفی وزن‌های رایج و نوع خوانش عروضی در ترانه‌های محلی فارس»، مجله ادبیات و زبان‌های محلی ایران‌زمین، شماره ۱ که به بررسی وزن‌های عروضی ترانه‌ها و استونک‌ها توجه داشته است.

خالقزاده (۱۳۹۰). به ترانه‌های کودکانه در ادبیات محلی شیراز پرداخته است که ویژگی‌های محتوایی ترانه‌ها را معرفی کرده است.

چنان‌که از پیشینه تحقیق بر می‌آید، تحقیق‌هایی که تاکنون در حوزه ترانه‌های محلی و واستونک‌ها انجام شده، بیشتر به گردآوری، تحلیل محتوا و توجه به وزن عروضی آن پرداخته‌اند و تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند تاکنون پژوهشی علمی در زمینه دستور و بررسی واستونک‌ها از نظر نحوی (نوع جمله و اجزای آن) در منطقه شهرستان فسا انجام نشده و این دلیلی است که ضرورت انجام چنین پژوهشی را تحقق می‌بخشد.

### ۳. مبانی نظری تحقیق

در این مبحث خلاصه‌وار به مبانی نظری پژوهش اشاره می‌شود:

#### ۳ - ۱. فرهنگ عامه

فرهنگ عامه برگرفته از سنت‌ها، الگوهای فرهنگی، اعمال و رفتاری است که در میان توده مردم رواج دارد، پذیرفته‌اند و بدان عمل می‌کنند. فرهنگ عامه از رهگذر نقل شفاهی و سینه‌به‌سینه به دیگر نسل‌ها منتقل می‌شود. «درحقیقت، هر نسلی سنت‌های خود را از طریق ترانه‌ها، ضربالمثل‌ها و فرهنگ‌عامه به‌شکل شفاهی به نسل بعد منتقل می‌کند» (امین‌پور، ۱۳۸۰: ۲۳۴). ادب عامه بازتاب‌دهنده بخش مهمی از فرهنگ غنی و متنوع این خطه است و گنجینه ارزشمندی برای بررسی علوم همچون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی و حتی تاریخ است.

#### ۳ - ۲. گونه‌های ادبیات عامه

گونه‌های ادبیات عامه را می‌توان در این موارد تقسیم‌بندی کرد: ۱. داستان‌های عامیانه، ۲. اشعار عامیانه، ۳. زبان عامیانه (اصطلاحات و عبارات محبت‌آمیز، اصطلاحات قراردادی، زبان تابو، ضربالمثل‌ها و تمثیل، چیستان، لطیفه‌ها و بذله‌گویی‌ها) (فاضلی، ۱۳۸۱: ۸۳).

دومین بخش مهم ادبیات عامه فارسی را اشعار یا ترانه‌های عامه تشکیل می‌دهند که شامل مجموعه گفتارهای منظومی است که به مناسبت‌های مختلف در حین کار و فعالیت، جشن‌ها، آیین‌ها، سوگواری‌ها، در هنگام بازی و تفریح و یا برای خواباندن کودکان و سرگرم کردن آن‌ها و یا به صورت ترانه‌های محلی همراه با موسیقی سنتی خوانده می‌شوند. واستونک‌ها هم جزئی از همین اشعار عامه‌اند که در مراسم عروسی به تناسب هر مرحله و متناسب با مضمون آن بیان می‌شود.

### ۳ - ۳. لهجه

این‌گونه از ترانه‌ها (استونک‌ها) در منطقه‌های مختلف ایران به لهجه و گویش‌های خاص سروده می‌شود. «تلفظ واژه‌های یک زبان، به شیوه خاص یک منطقه لهجه گویند» (معین، ۱۳۷۱؛ ذیل واژه). لهجه به «شیوه تلفظ سخن‌گو اشاره دارد به گونه‌ای که به لحاظ آوازی یا واجی متفاوت از گونه‌های دیگر است» (دیر مقدم، ۱۳۸۷؛ ۱۲۰).

### ۴ - ۴. ویژگی و وجه تسمیه واستونک‌ها

سراینده استونک‌ها افراد گمنام و بیشتر بی‌سواد و صاحب‌ذوق و هنرمندی بوده‌اند که بنا به نوع نگرش و اقلیم خاص هر منطقه و نوع آداب و رسومشان در سرایش آن‌ها از واژگان با هدفی خاص بهره برده‌اند. قدمت این نوع ادبی به قدمت تاریخ بشر بر می‌گردد. استونک‌ها که کلامی تغزلی، ساده و صمیمی‌اند و در مدح و محسنات عروس و داماد و خانواده‌ای ایشان و بستگانشان همراه با کف و کل از سوی خانم‌ها خوانده می‌شود از اشعار غنایی‌اند و در وجه تسمیه آن نوشته‌اند: «این کلمه از «وا»: باز، سون مخفف ستودن + «ک» تصعیر، اشعاری که با آهنگی مخصوص در موقع عروسی، در توصیف عروس و داماد می‌خوانند» (طوفان، ۱۳۹۰). همچنین، می‌توان برای معنی و ریشه واژه استونک متولّ به دو حدس شد:

یکی آنکه شاید استونک‌ها در اصل «آسانک» باشد. ابیات آسان و کوچکی که در عروسی‌ها خوانده شود و دیگری شاید از مصدر «واستَدَن» به معنی پس گرفتن، بدین معنی که یکی از استونک‌خوانان، آواز خواننده پیش از خود را وامی‌ستاند و

آوازی همانند آواز او را واپس می‌دهد و خواننده بعدی هم چنان کند تا حلقة  
و استونک‌خوانان به آخر رسید (فقیری، ۱۳۸۵: ۲۰۱).

و شاید بتوان گفت که تألمات روحی و عاطفی که عروس از جدایی خانه پدری  
داشته است این اشعار مرهمی بر نگرانی او از این جدایی و هجران بوده و دل‌کندن و  
جدایی برایش آسان می‌کرده است و به این دلیل، این ادب شفاهی را آسونک گفته‌اند و  
یا طبق نظر نگارندگان تحقیق نیز می‌توان حدس زد، چون آهنگ و موسیقی کلام،  
آهنگی آسان و روان است و سرایش واژگان آن آنی و در لحظه صورت می‌گیرد،  
آسونک گفته‌اند.

#### ۴. بحث و بررسی

##### ۴ - ۱. چارچوب تحقیق

بحث از ساده و مرکب بودن و نیز چند جزئی بودن واستونک‌های عامیانه شهرستان  
فساست که لازم است درباره این دو مورد مباحثی ذکر شود. مبنای ارائه تعریف‌ها بر  
اساس دستور ساختگرای کتاب دستور زبان فارسی وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۸۹)  
است و بر اساس آن داده‌های مقاله حاضر (واستونک‌های شهرستان فسا) مطابقت داده  
می‌شود.

جمله مستقل بزرگ‌ترین واحد زبان است که بخشی از یک واحد بزرگ‌تر نباشد.  
جمله مستقل بر دو نوع است: ساده و مرکب. جمله مستقل ساده یک فعل دارد و جمله  
مستقل مرکب حداقل یک جمله وابسته دارد (همان، ۱۱). نمونه جمله‌های مستقل ساده  
و مرکب، به ترتیب چنین است:

- الف) هیچ عاملی به اندازه زبان فارسی در احیای ایران بعد از اسلام مؤثر نبود.  
ب) دانشمندان و مکتشفان بزرگ مغرب زمین از کشورهایی برخاسته‌اند که زبان  
نیرومند داشته‌اند.

در جمله مستقل مرکب، حرف یا حروفی وجود دارند که این حروف عبارت‌اند از:  
اگرچه، اگر، پس، چونکه، تا، چون، که، اما، ولی، زیرا، و، یا، و... . برخی از این‌ها، حرف  
ربط وابستگی هستند که در آغاز هر جمله‌ای بیانند بیانگر جمله وابسته هستند، مانند

اگرچه، اگر، تا، زیرا، و چون. این حرف‌ها دو یا چند جمله را بهم پیوند می‌دهند که یکی از آن جمله‌ها اصلی یا هسته است و دیگر یا دیگر جمله‌ها جزئی از جمله هسته‌اند که جمله وابسته نامیده می‌شوند (همان، ۱۱۳ – ۱۱۴). در جمله مستقل مرکب ذکر شده، «دانشمندان و مکتشفان بزرگ مغرب زمین از کشورهایی برخاسته‌اند»، جمله هسته و «زبان نیرومند داشته‌اند» جمله وابسته است. برخی دیگر از این حرف‌ها، حرف ربط هم‌پایگی هستند، مانند و، یا، اما، ولی، و نیز تکوازهای گستته: هم ... هم، چه ... چه، نه ... نه، یا ... یا، حرف ربط هم‌پایگی بین جمله‌های هم‌پایه می‌آیند؛ یعنی هیچ یک از جمله‌ها جزئی از جمله دیگر نیست (همان، ۱۱۴). مثال: از کتابخانه دو کتاب گرفتم یکی را مطالعه کردم و پس دادم؛ ولی دومی را هنوز نخوانده‌ام. هر یک از جمله‌ها به‌نهایی مستقل ساده است.

ارکان سازنده جمله را جزء گویند. تعداد اجزای جمله را نوع فعل موجود در جمله تعیین می‌کند، جمله ساده حداقل دو جزء و حداقل چهار جزء دارد (همان، ۱۴). مانند: علی رفت (دو جزء).

علی کتاب‌ها را از کتابخانه گرفت (چهار جزء).

جمله‌های دو جزئی: فعل این جمله‌ها ناگذر است؛ یعنی فقط به نهاد نیاز دارد (همان، ۱۱۴).

مثال: خورشید دمید؛ رضا با ناراحتی ایستاده بود.

جمله‌های سه‌جزئی: فعل این جمله‌ها گذراست و به همین دلیل در بخش گزاره این جمله‌ها یک جزء دیگر هم می‌آید که ممکن است مفعول، مستند و یا متمم باشد. این جمله‌ها بر چند نوع هستند: ۱. سه‌جزئی با مفعول، ۲. سه‌جزئی با مستند، ۳. سه‌جزئی با متمم (همان، ۱۵).

جمله‌های چهار‌جزئی: فعل این نوع جمله‌ها نیز گذراست. جمله‌های چهار‌جزئی گذرا چهار نوع هستند. ۱. چهار‌جزئی با مفعول و متمم؛ ۲. چهار‌جزئی با مفعول و مستند؛ ۳. چهار‌جزئی دو مفعولی؛ ۴. چهار‌جزئی با متمم و مستند (همان، ۱۸).

جمله‌های ذکر شده، جمله‌هایی هستند که از نهاد و گزاره تشکیل شده بودند؛ اما برخی از جمله‌ها ممکن است شرط‌های جمله‌های معمولی – که بیان شد – را نداشته

باشد. این جمله‌ها که جمله‌های استثنایی گفته می‌شوند بر سه نوع هستند:

۱. جمله‌های بی‌فعل؛ ۲. جمله‌های بی‌نهاد؛ ۳. جمله با فعل یک شناسه (همان، ۲۳).

۱. جمله‌های بی‌فعل: این جمله‌ها بر سه نوع هستند: الف) یک‌جزئی، ب) دو‌جزئی، و ج) سه‌جزئی.

الف) جمله‌های یک‌جزئی بی‌فعل: واژه‌هایی هستند که گاهی به تنها یی کار یک جمله را انجام می‌دهند. این نوع جمله‌ها بر دو نوع هستند: صوت و غیرصوت (همان، ۲۳). صوت واژه‌ای است که در جایگاه نهاد، مفعول، متمم و ... قرار نمی‌گیرد و از موقعیت و نحوه بیان یا وجود قرینه می‌توان به معنای آن پی برد. صوت‌ها در موقعیت‌های مختلف از جمله شگفتی، خشم، تنفر، تمسخر و ... به کار می‌روند که عبارت‌اند از: به، آه، آخ، وای، اووه، و ... (همان، ۲۳ - ۲۴). غیرصوت واژه‌ای معمولی است که کار یک جمله را انجام می‌دهد مانند سلام، خدا حافظ، آهسته و ... همچنین، منادا چه با نقش‌نمای ندا و چه بدون آن (با انتقال تکیه از هجای آخر به هجای اول) جمله یک‌جزئی محسوب می‌شود، مانند ای خدای بزرگ، بهمن، کجا رفته بودی (همان، ۲۴).

ب) جمله‌های دو‌جزئی بی‌فعل: این نوع جمله‌ها از دو گروه اسمی تشکیل می‌شوند و گزاره آن‌ها بدون فعل می‌آید و از آنجا که این جمله‌ها در فارسی امروز بدون فعل به کار می‌روند و حتی افزودن فعل به بعضی از آن‌ها معمولاً غیرعادی است دو‌جزئی به شمار می‌آیند، مانند: عید مبارک، مرحمت زیاد، و شب خوش (همان، ۲۴).

ج) جمله‌های سه‌جزئی بی‌فعل مانند زندگی یعنی عقیده، کار یعنی خلاقیت و سازندگی. این جمله‌ها هم فعل ندارند؛ اما معادل جمله‌هایی هستند که آورده می‌شود: زندگی عقیده است، کار خلاقیت و سازندگی است. واژه یعنی کار فعل را انجام می‌دهد.

## ۴ - ۲. بررسی واستونک‌ها

در تحقیق حاضر ۱۲۷ واستونک محلی شهرستان فسا بررسی شده است که تعداد ۵۲۰ جمله از این تعداد واستونک استخراج شد. به دلیل طولانی شدن مقاله همه واستونک‌های

تحلیل شده ارائه نمی‌شود؛ بلکه تنها به ذکر محدودی اکتفا خواهد شد، در زمینه ارائه آمار همه ۱۲۷ است.

۱. او مدیم شهر شما تا در بربیم رسم شما      یه جوون عاشق شده، بر چشم و ابروی شما  
'umadim šahr-e šomâ tâ darbarem rasm-e šomâ/ ye javun 'âseq šode bar  
češm-o-'abruye šomâ  
برگردان: ما به شهر شما آمدیم تا رسم شما را دربریم؛ زیرا یک جوان عاشق چشم و ابروی شما شده است.

او مدیم: آمدیم؛ در بربیم: در ببریم؛ جوون: جوان.

- مصراع اول از یک جمله مركب با حرف ربط وابسته‌ساز «تا» تشکیل شده و مصراع دوم نیز وابسته دوم جمله مركب مصراع اول است که با حذف حرف ربط وابسته‌ساز «زیرا» به آن وابسته شده است.

جمله اول مصراع اول، دو جزئی (فعل آمدیم به متمم فعلی نیاز ندارد، «به شهر شما» متمم قیدی است). جمله دوم آن سه جزئی با مفعول است. جمله مصراع دوم، سه جزئی با مسند است (جمله به صورت، یک جوان عاشق چشم و ابروی شما شده است).

۲. بالهخونی رو به قبله، خشت و نیم خشتش طلا

هر زنی که کل نزن، واگذارش با خدا  
Bâlexuney rubeqeble,xešt-o-nimxešeš talâ/ har zani ke kel nazane,vâgozâreš  
bâ xodâ  
برگردان: خشت و نیم خشت بالاخانه رو به قبله، از طلاست. واگذارش به خدا باشد،  
هر زنی که کل نزنند.

بالهخونه: بالاخانه؛ اتفاقی در طبقه دوم عمارت؛ کل: هلهله شادی که زنان در مراسم عروسی و شادی، به صورت تکی یا دست جمعی سر می‌دهند.

- مصراع اول از یک جمله مستقل ساده و مصراع دوم از یک جمله مركب، با یک هسته و یک وابسته با حرف ربط وابسته‌ساز «هر که» تشکیل شده است.

- جمله مصراع اول، سه جزئی با مسنده، جمله اول مصراع دوم سه جزئی با مفعول و جمله دوم آن، سه جزئی با مسنده است. جمله آخر به صورت «واگذار او به خدا باشد» است.

۳. بوآی دوماد قسم خورده، غوچ گله می کشم چه بگشم، چه نکشم، جور لشکر می کشم  
bowâydumâd qasam xorde yuč-e galle mikošam/ če bokošam, če nakošam,jur-e laškar mikašam

برگردان: بابای داماد قسم خورده است که قوچ گله را می کشم و چه بگشم چه نکشم؛ جور لشکر را می کشم.

بوآ: بابا؛ دوماد؛ داماد؛ غوچ؛ قوچ؛ جور؛ در اینجا، خرج و مخارج عروسی.

- مصراع اول از یک جمله مرکب، با حذف حرف ربط وابسته ساز «که» تشکیل شده است (جمله اول هسته و جمله دوم، وابسته). در مصراع دوم، دو جمله اول، هم پایگی برای رساندن تساوی، بین دو جمله التزامی (چه بگشم، چه نکشم) است و این دو جمله به نوعی توضیحی و معتبرضه به شمار می آید و قابل حذف است و جمله بعدی، هم پایه با جمله مرکب مصراع اول است.

- جمله اول و دوم سه جزئی با مفعول است (قسم، قابل گسترش به قسم سخت، قسم زیاد، این قسم و... است و مفعول جمله است). جمله سوم و چهارم سه جزئی با مفعول محذوف (قوچ را) و جمله پنجم سه جزئی با مفعول است.

۴. چشم عروس چون ستاره، ابروهاش چون دم ماهه خیر بینی بوآی عروس این گلز خونت در آر

Češm-e 'arus čon setâre,'bruhâš čon dom-e mâh / xer bebini bowâey 'arus i golaz xonat darâr

برگردان: چشم عروس مانند ستاره و ابروانش چون دم ماه (انتهای باریک هلال ماه) است. بابای عروس خیر بینی، این گل را از خانه ات بیرون بیاور.

بوآ: بابا؛ در آر؛ در بیاور؛ گل؛ استعاره از عروس خانم.

- مصراع اول از یک جمله مستقل ساده و مصراع دوم از دو جمله مستقل ساده تشکیل شده است.

- هر دو جمله مصraig اول، سه‌جزئی با مستند و جمله اول مصraig دوم سه‌جزئی با مفعول و جمله دوم آن، مندا و تک‌جزئی و جمله سوم آن، سه‌جزئی با مفعول است (عبارت «از خانه‌ات» متمم قیدی است). فعل «درآر» در معنی بیرون بیاور، فعل متعدد و نیاز به مفعول دارد.

#### ۵. حجله بسم لای لای، حجله وا کردم لای لای

حجله تنگ و تاریکه، عروس قشنگ و باریکه

hejle basam,lây-elây,hejle vâ kardam lây-e-lây/hejle tang-o-târeke,'arus qaşang-o-bâreke

برگردان: لای لای، حجله را بستم. لای لای حجله را وا کردم. حجله تنگ و تاریک است. عروس قشنگ و باریک است.

بسم: بستم؛ لای لای: از اصوات است؛ وا: باز؛ باریک: صفت در معنی خوش‌اندام.

- مصraig اول از چهار جمله که دو جمله آن صوت لای لای است و دو جمله مستقل ساده دیگر و مصraig دوم از دو جمله مستقل ساده تشکیل شده است.

- جمله اول مصraig اول، سه‌جزئی با مفعول و جمله دوم صوت (جمله استثنایی) و یک‌جزئی، جمله سوم سه‌جزئی با مفعول و جمله چهارم باز صوت و یک‌جزئی است. هر دو جمله در مصraig دوم سه‌جزئی با مستند است.

#### ۶. خوارشوه خودش خوبه، مادرشوه خودش خوبه

خانم عروس خوبی بکن، بری بعد زیست خوبه

xâršuhar xodeš xube,mâdaršuhar xodeš xube /xânom 'arus xubi bokon,barey ba'dazet xube

برگردان: خواهرشوه خودش خوب است. مادرشوه خودش خوب است. ای عروس خانم خوبی کن؛ زیرا برای بعد از این تو خوب است.

خوار: خواهر؛ خوبه: خوب است؛ بری بعد زیست: برای بعد از این تو.

- هر دو جمله مصraig اول مستقل ساده و مصraig دوم، یک جمله مرکب با حذف حرف ربط وابسته‌ساز «زیرا» است.

- دو جمله مصraig اول سه جزئی با مستند و جمله اول مصraig دوم سه جزئی با مفعول (خوبی گسترش پذیر است: خوبی ها، این خوبی، خوبی زیاد و ... مفعول جمله است) و جمله دوم سه جزئی با مستند است.

۷. دختر خان ولایت، ما به شوهر داده ایم      نه به مال و نه به ثروت، ما به مردش داده ایم  
doxtar-e xân-e velyâyat,mâ be šowhar dâdeim / na be mâl-o- na be servat,mâ be mardeš dâdeim  
برگردان: ما دختر خان ولایت را به شوهر داده ایم. ما او را به مال و ثروتش ندادیم؛  
بلکه او را به مردش داده ایم.

خان ولایت: خان روستا؛ مردش: کنایه از انسانیت، منش و اخلاق.

- مصraig اول، یک جمله مستقل ساده و مصraig دوم، هم پایگی دو جمله مستقل ساده، با حذف حرف هم پایه ساز «بلکه» است.

- مصraig اول یک جمله چهار جزئی با مفعول و متتم است و جمله اول و دوم مصraig دوم نیز، چهار جزئی با مفعول و متتم است (ما او را نه به مال و ثروت داده ایم، ما او را به مردش داده ایم).

۸. در خونی شاز دوماد آب رکنی رد میشه      گچ بیارین، پل بیندین خانم عروس رد بشه  
dar-e xuney šâzedumâd 'âb-e rokni rad miše/gač biyârin,pol bebandin,  
xânom 'arus rad beše  
برگردان: از در خانه شاهزاده داماد، آب رکنی رد می شود. گچ بیاورید و پل بیندید تا خانم عروس رد بشود.

خونه: خانه؛ شاز دوماد: شاهزاده داماد؛ آب رکنی: آب رکناباد و در اینجا مجاز به کار رفته است، منظور جوی آب است (مجاز خاص و عام). رد می شه: رد می شود؛ بیارین: بیاورید؛ بیندین: بیندید؛ رد بشه: رد بشود.

- مصraig اول یک جمله مستقل ساده و مصraig دوم یک جمله مرکب که هسته آن از هم پایگی دو جمله مستقل ساده با حذف حرف ربط هم پایه ساز «و» به همراه یک جمله وابسته با حذف حرف ربط وابسته ساز «تا» تشکیل شده است.

- مصراع اول، یک جمله سه‌جزئی با متمم است و دو جمله اول مصراع دوم، سه‌جزئی با مفعول و جمله سوم دو‌جزئی است.

۹. دیرو پسین ننی دوماد دیدمش تو زرگری  
می خرید الای طلا بری عروس اولیش  
dirupasin,naneydumâd didameš tu zargari/mixared 'allây-e talâ barey 'aruse  
'avalîš  
برگردان: دیروز عصر، مادر داماد را در زرگری دیدم که برای عروس اولش الای  
طلا می خرید.

دیرو: دیروز؛ پسین: عصر؛ زرگری: طلافروشی؛ الای طلا: نوعی گردنبند طلا که نام  
الله بر آن حک شده باشد؛ بری: برای.

- هر دو مصراع یک جمله مستقل مرکب است که با حرف محفوظ «که»  
وابسته‌ساز به هم وصل شده‌اند.

- جمله مصراع اول سه‌جزئی با مفعول و جمله مصراع دوم سه‌جزئی با مفعول  
است (برای «عروس اولیش» متمم قیدی است).

۱۰. کل کشی دارِت خودم، آیم به دیدارت خودم هرچی از خرجت کم اومند، خرج بازارت خودم  
kel keşidâret xodom , 'âyam be didâret xodom/har če 'az xarjet kam  
'umad,xarj-e bâzâret xodom

برگردان: کل کشی دار تو خودم هستم و خودم به دیدارت می‌آیم. من هرچه از  
خرجت کم آمد، خودم خرج بازارت را می‌دهم.

کل: هلهله شادی، بانگ شادی برآوردن در مراسم عروسی.

مصراع اول هم‌پایگی بین دو جمله مستقل ساده که با حرف ربط «و» محفوظ به  
یکدیگر وصل شده‌اند و مصراع دوم، از یک جمله مرکب، با پیوند وابستگی «هرچه که»  
تشکیل شده، جمله اول وابسته و جمله دوم، هسته است.

- جمله اول مصراع اول، سه‌جزئی با مسنده، جمله دوم آن، سه‌جزئی با متمم و  
جمله اول مصراع دوم، سه‌جزئی با متمم و جمله دوم آن، سه‌جزئی با مفعول (من  
خودم خرج بازارت را می‌دهم) است.

۱۱. کی به حجله، کی به حجله، شازدوماد با زنش

کی بگرده دور حجله، خواهر کوچیکترش

ki be hejle,ki be hejle,šâzedumâd bâ zaneš/ki begared dur-e hejle xâhar-e kučiktareš

برگردان: کی به حجله است؟ کی به حجله است؟ شازده داماد با زنش به حجله

است. کی دور حجله بگردد؟ خواهر کوچک ترش دور حجله بگردد.

شازدوماد: شاهزاده داماد؛ بگردد: بگردد.

- مصراع اول از سه جمله مستقل ساده و مصراع دوم از دو جمله مستقل ساده تشکیل شده است.

- دو جمله اول مصراع اول (که جمله دوم تکرار است) سه جزئی با مسنده و جمله سوم آن سه جزئی با مسنده است. دو جمله مصراع دوم سه جزئی با مسنده است.

۱۲. گل گرونه، ای دوماد، گلدون گرونه، ای دوماد      قدرخانمت بدون، که زن گرونه، ای دوماد  
gol gerune i dumâd, goldun gerune i dumâd/qadr-e xânomet bedun, ke zan gerune i dumâd

برگردان: ای داماد! گل گران است و ای داماد، گلدان گران است. ای داماد! قدر خانمت را بدان؛ چون زن گران است.

گرونه: گرون است؛ گل و گلدان: استعاره از وجود عروس خانم؛ گرونه: گران است.

- مصراع اول از دو جمله استثنایی (ندايبي) و همپاييگي دو جمله مستقل ساده، با حذف حرف ربط همپايه ساز «و» تشکيل شده است و جمله مصراع دوم يك جمله مرکب با حرف ربط وابسته ساز «که» در معنی «چون» به همراه يك جمله ندايبي تشکيل شده است.

- ای داماد در مصراع اول منادا و جمله يك جزئی است و مابقی جمله سه جزئی با مسنده است. جمله اول در مصراع دوم، سه جزئی با مفعول، جمله دوم سه جزئی با مسنده و باز ای داماد منادا، جمله يك جزئی به شمار می آيد.

۱۳. ما همه سوری دومادیم، جورا بِ شیشه پامون      زن بری دوماد گرفتیم مث ماه آسمون  
mâ hame suri dumâdim,jurâb-e šiše pâmun/zan barey dumâd gereftem,mes mâh-e 'âsemun

برگردن: ما همه سوری داماد هستیم، جوراب شیشه‌ای به پا داریم و زنی مانند ماه آسمان را برای داماد گرفته‌ایم.

سوری: بستگان؛ بری: برای؛ دوماد: داماد؛ جوراب شیشه: جوراب بسیار نازک؛ مث: مثل، آسمون: آسمان.

- کل بیت از سه جمله مستقل ساده تشکیل شده است که با حرف همپایه‌ساز محذوف «و» به یکدیگر همپایه شده‌اند.

- جمله اول مصراع اول سه‌جزئی با مسنده و جمله دوم مصراع اول چهار‌جزئی با مفعول و متمم و جمله سوم مصراع دوم نیز چهار‌جزئی با مفعول و متمم است.

۱۴. ننى دوماد ننى دوماد، پشت كفشت محمله اى عروسى كه گرفتى، با پسند خودته naneydumâd,naneydumâd,pošt-e kafşet maxmale/ i 'arusi ke gerefti bâ pasand-e xodete

برگردن: اى نه داماد پشت کفش تو از محمل است و اين عروسى كه گرفتى، پسند خودت است.

ننى دوماد: مادر داماد؛ محمله: محمل است؛ خودته: خودت است.

- کل بیت، علاوه بر دو جمله استثنایی (منادا)، همپایگی بین دو جمله مستقل ساده در مصراع اول و دوم با حذف حرف ربط همپایه‌ساز «و» است.

- جمله اول و دوم مصراع اول، استثنایی، منادا و تک‌جزئی و جمله سوم آن سه‌جزئی با مسنده، جمله اول مصراع دوم نیز سه‌جزئی با مفعول و جمله بعد سه‌جزئی با مسنده است (در این جمله، این عروس به قرینه لفظی حذف شده است).

۱۵. ننى عروس گريه مى‌کرد، من گلم نمى‌دم به در ننى دوماد خنده مى‌کرد، مخواسي نديش شوهر naney 'arus gerye mikard,man golom namidam be dar/naney dumâd xande mikard,mexâsi nadiša šuhar

برگردن: ننه عروس گريه مى‌کرد که من گلم را به در نمى‌دهم. ننه داماد خنده مى‌کرد که مى‌خواستی گلت را به شوهر ندهی.

ننى: مادر؛ نمى دم؛ نمى دهم؛ مخواسى: مى خواستى؛ ندىش: او را ندھى؛ گل: استعاره از عروس.

- مصraig اول يك جمله مرکب و مصraig دوم نيز يك جمله مرکب که در هر دو، حرف ربط وابسته‌ساز «که» حذف شده است.

- جمله اول مصraig اول سه‌جزئی با مفعول، گريه مفعول و قابل گسترش به صورت: گريه‌ها، گريه زيادي و... است و جمله دوم آن سه‌جزئی با مفعول («به در نمى دهم» عبارت فعلی است) جمله اول مصraig دوم، سه‌جزئی با مفعول، خنده مفعول جمله است و جمله دوم نيز سه‌جزئی با مفعول که مفعول آن جمله سوم، «مخايسى ندىش شوهر» است و جمله سوم و مفعول جمله قبل چهارجزوی با مفعول و متتم است.

جدول ۱: نوع جمله واستونك

شماره واستونك	جمله ساده	جمله مرکب	توضيحات
۱		او مدیم شهر شما تا در بریم رسم شما (زیرا) یه جوون عاشق شده، بر چشم و ابروی شما	حرف ربط وابسته‌ساز «تا» بین جمله مرکب وجود دارد. مصraig دوم با حذف حرف ربط وابسته‌ساز محلوف «زیرا» به جمله مرکب مصraig اول متصل شده است.
۲	بالهخونی رو به قبله، خشت و نیم خشتش طلا	هر زنی که کل نزن واگزارش با خدا	حرف ربط «که» وابسته‌ساز بین دو جمله مصraig دوم وجود دارد.
۳	چه بکشم / چه نکشم / جور لشکر می کشم /	بوای دوماد، قسم خورده (که) فوق گله می کشم	بين دو مصraig حرف ربط هم پایه‌ساز «و» و بين دو جمله مصraig اول «که» وابسته‌ساز به دليل آهنگ و وزن شعر حذف شده است، تکواز گسسته چه ... چه بين دو

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا مریم علیرادی و همکار

جمله مصراع دوم، حرف ربط همپایه‌ساز است.			
بین دو جمله اول مصراع اول حرف ربط همپایه‌ساز «و» حذف است.		چشم عروس چون ستاره / ابروهاش چون دم ماه / خیر بیینی / این گل از خونت در آر	۴
لای لای جمله استثنای و بی‌فعل است و بین دو جمله مصراع دوم حرف ربط «و» بهدلیل آهنگ کلام حذف است.		حجله بسم / لای لای / حجله وا کردم / لای لای / حجله تنگ و تاریکه / عروس قشنگ و باریکه	۵
حرف ربط وابسته‌ساز «زیرا» بین دو جمله مصراع دوم بهدلیل آهنگ و وزن شعری محفوظ است. خانم عروس جمله ندایی و استثنایی و بدون فعل است.	خانم عروس / خوبی بکن (زیرا) بری بعد زیت خوبه	خوارشوهر خودش خوبه / مادرشوهر خودش خوبه	۶
تکرار حرف «نه» حرف ربط همپایه‌ساز گستته است.		دختر خان ولایت، ما به شوهر داده‌ایم / نه به مال و نه به ثروت / ما به مردش داده‌ایم	۷
در مصراع دوم، حرف ربط وابسته ++ س -----از «تا» بهدلیل ریتم کلام حذف است.	گچ بیارین، پل بیندین (تا) خانم عروس رد بشه.	در خونه شازدوماد آبرکنی رد میشه	۸

<p>حروف ربط وابسته‌ساز «که» بین دو جمله مصراج اول و مصراج دوم حذف شده است.</p>	<p>نه دوماد دیرو پسین دیدمش تو زرگری (که) الای طلامی خرید بربی عروس اولیش</p>		۹
<p>حروف ربط همپایه‌ساز «و» بین دو جمله مصراج اول حذف است؛ حروف ربط وابسته‌ساز «که» بین دو جمله مصراج دوم حذف است.</p>	<p>هرچی «که» از خرجت کم او مدد، خرج بازارت خودم</p>	<p>کل کشی دارت خودم / آیم به دیدارت خودم /</p>	۱۰
		<p>کی به حجله / کی به حجله / شازدوماد با زنش / کی بگرده دور خواهر / حجله / کوچیکترش</p>	۱۱
<p>حروف ربط وابسته‌ساز «که» بین دو جمله مرکب مصراج دوم وجود دارد. ای دوماد جمله ندایی، استثنایی و بدون فعل است.</p>	<p>قدرت خانمت بدون که زن گرونه</p>	<p>گل گرونه / ای دوماد / گلدون گرونه / ای دوماد / ای دوماد</p>	۱۲
<p>حروف ربط همپایه‌ساز «و» در بین دو جمله مصراج اول به دلیل ریتم و آهنگ حذف است.</p>		<p>ما همه سوری دومادیم / جوراب شیشه پامون / زن بری دوماد گرفتیم مث ماه آسمون</p>	۱۳
<p>جمله «با پسند خودته» پایه و جمله «ای عروسی که گرفتی» جمله پیرو است. حروف ربط وابسته‌ساز «که» در اینجا وجود دارد. نه دوماد جمله</p>	<p>ای عروسی که گرفتی با پسند خودته</p>	<p>نه دوماد / نه دوماد / پشت کفشت محمله</p>	۱۴

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا مریم علیرادی و همکار

استثنایی و بی‌ فعل است.			
از فحوای کلام مشخص است، حرف وابسته‌ساز «که» بین دو جمله مصراع اول و دو جمله مصراع دوم به‌دلیل وزن و آهنگ شعر حذف است.	ننی عروس گریه می‌کرد (که) من گلم نمی‌دم به در / ننی دوماد خنده می‌کرد (که) مخواسی ندیش شوهر		۱۵

از نظر تعداد اجزای جمله به صورتی است که در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول ۲: نوع جمله واستونک

شماره واستونک	جمله تک‌جزئی	جمله دو‌جزئی	جمله سه‌جزئی	جمله چهار‌جزئی
۱	او مدیم شهر شما (دو‌جزئی)			تا در بريم رسم شما (سه‌جزئی با مفعول) يك جوان عاشق شده بر چشم و ابروی شما (سه‌جزئی با مسند)
۲				باله‌خونی رو به قبله خشت و نیم‌خشنده طلا (سه‌جزئی با مسنده) هر زنی که کل نزنه (سه‌جزئی با مفعول) واگذارش با خداد، در اصل واگذار او به خداد باشد (سه‌جزئی با مسند)
۳				بوآی دوماد قسم خورده (سه‌جزئی با مفعول) قوچ گله می‌کشم (سه‌جزئی با مفعول) چه بکشم (سه‌جزئی با مفعول) چه

	نکشم (سه جزئی با مفعول) جور لشکر می کشم (سه جزئی با مفعول)			
	چشم عروس چون ستاره (سه جزئی با مستند) ابروهاش چون دم ماه (سه جزئی با مستند) خیر بینی (سه جزئی با مفعول) این گل از خونه در آر (سه جزئی با مفعول)		بوای عروس (منادا و تک جزئی)	۴
	حجله بستم (سه جزئی با مفعول) حجله واکردم (سه جزئی با مفعول) حجله تنگ و تاریکه (سه جزئی با مستند) عروس قشنگ و باریکه (سه جزئی با مستند)		لای لای (صوت، تک جزئی) لای لای (صوت، تک جزئی)	۵
	خوارشوهر خودش خوبه (سه جزئی با مستند) مادرشوهر خودش خوبه (سه جزئی با مستند) خوبی بکن (سه جزئی با مفعول) بری بعد زیت خوبه (سه جزئی با مستند)		خانم عروس (نداibi، تک جزئی)	۶
	دختر خان ولايت ما به شوهر داده ايم (چهار- جزئی با مفعول و متهم) نه به مال و			۷

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا مریم علیرادی و همکار

نه به ثروت (چهارجزئی با مفعول و متمم) ما به مردش داده‌ایم (چهارجزئی با مفعول و متمم)				
	در کوچه خانم عروس آب رکنی رد می‌شه (سه‌جزئی با متمم) گچ بیارین (سه‌جزئی با مفعول) پل بیندین (سه‌جزئی با مفعول)	خانم عروس رد باشه		۸
	دیرو پسین ننی دوماد دیدمش تو زرگری (سه‌جزئی با مفعول) می‌خرید الای طلا بری عروس اولیش (سه‌جزئی با مفعول)			۹
	کل کشیدارت خودم (سه‌جزئی با مسنده) آیم به دیدارت خودم (سه‌جزئی با متمم) هرچی از خرجت کم اوهد (سه‌جزئی با متمم) خرج بازارت خودم (سه‌جزئی با مفعول)			۱۰
	کی به حجله (سه‌جزئی با مسنده) کی به حجله (سه‌جزئی با مسنده) شازدوماد با زنش (سه‌جزئی با مسنده) کی			۱۱

	بگرده دور حجله (سه جزئی با مسنند) خواهر کوچکترش (سه جزئی با مسنند) در اصل خواهر کوچکترش دور حجله بگردد.			
۱۲	گل گرونه (سه جزئی با مسنند) گلدون گرونه (سه جزئی با مسنند) قدر خانمت بدون (سه جزئی با مفهول) زن گرونه (سه جزئی با مسنند)	ای دوماد (منادا و تک جزئی) ای دوماد (منادا و تک جزئی)		
۱۳	جوراب شیشه پامون (چهار جزئی با مفهول و متمم) زن بربی دوماد گرفتیم مث ماه آسمون (چهار جزئی با مفهول و متمم)	ما همه سوری دومادیم (سه جزئی با مسنند)		
۱۴	پشت کفشت محمله سه جزئی با مسنند) این عروسو که گرفتی (سه جزئی با مفعول) با پسنند خودته (سه جزئی با مسنند)	ننى دوماد (منادا، تک جزئی) ننى دوماد (منادا، تک جزئی)		
۱۵	می خواستی ندیش شوهر (چهار جزئی با مفهول و متمم)	ننى عروس گریه می کرد (سه جزئی با مفعول) ننى دوماد خنده می کرد (سه جزئی با مفعول) من		

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا

مریم علیرادی و همکار

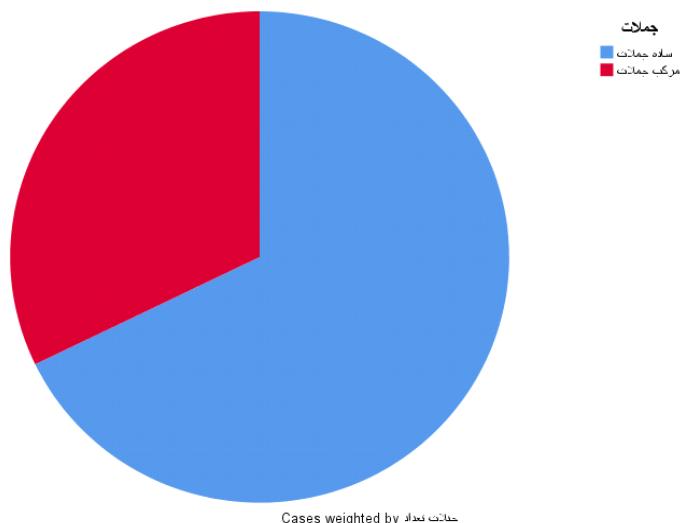
گلم نمی‌دم بهدر، بهدر نمی‌دهم عبارت فعلی و جمله به صورت (سه‌جزئی با مفعول) است.			
---	--	--	--

#### ۴ - ۳. بررسی آماری واستونک‌ها

در ۱۲۷ واستونک بررسی شده، درصد فراوانی جمله‌های ساده و مرکب و حروف همپایه و وابسته و نیز درصد فراوانی تعداد اجزای جمله‌ها بر اساس نرم‌افزار اس. پی. اس. اس.

۲۵ بهصورتی است که آورده می‌شود:

فرضیه اول: میان فراوانی جمله‌های ساده و مرکب تفاوت وجود دارد.



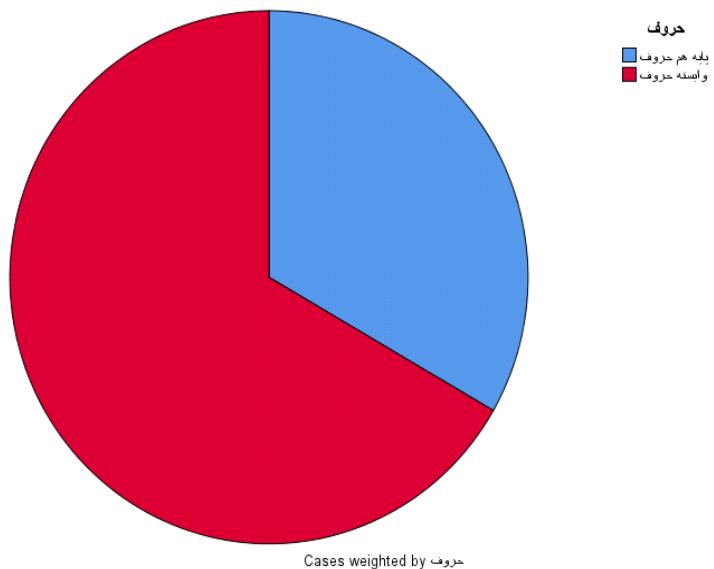
#### نمودار ۱: جملات ساده و مرکب

نتیجه آزمون کای دو:

$$>0.05 = , p_{0.001} = , p_{0.05\alpha}$$

نتیجه: میان فراوانی جمله‌های ساده و مرکب تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: میان فراوانی حروف همپایه و حروف وابسته تفاوت وجود دارد.



نمودار ۲: حروف هم پایه و وابسته

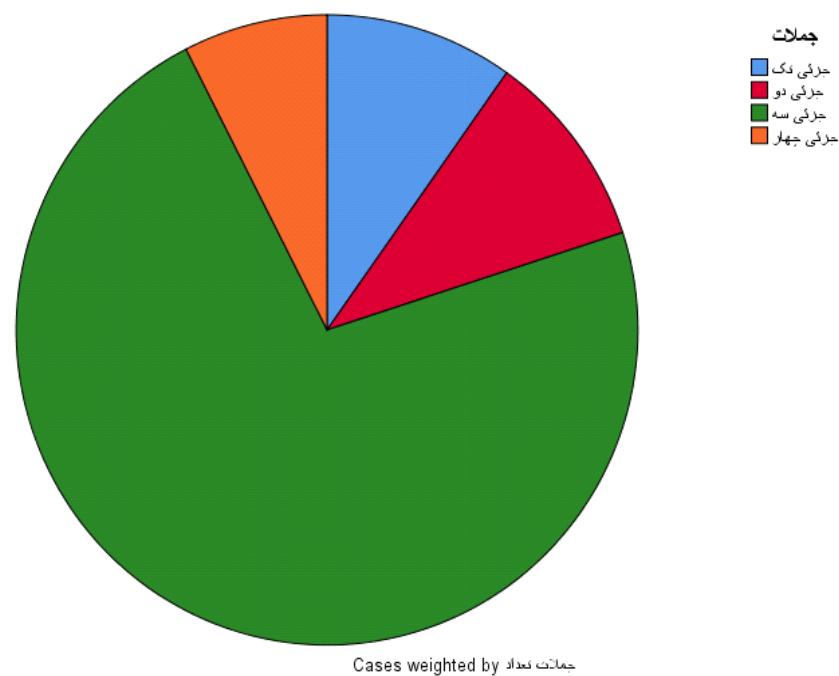
نتیجه آزمون کای دو:

$$>0/05 = , p_0/001 = , p_0/05\alpha$$

نتیجه: میان فراوانی حروف هم پایه و حروف وابسته تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: میان فراوانی جملات تک جزئی، دو جزئی، سه جزئی و چهار جزئی تفاوت وجود دارد.

نوع و اجزای جمله در واستونک‌های منتخب شهرستان فسا



نمودار ۳: اجزای جمله

نتیجه آزمون کای دو:

$$>0.05 = p_0/0.05\alpha$$

نتیجه: میان فراوانی جمله‌های تک‌جزئی، دو‌جزئی، سه‌جزئی و چهار‌جزئی تفاوت معناداری وجود دارد.

بر اساس نمودار ذکر شده در استونک‌های بررسی شده، درصد فراوانی جمله‌های ساده (۶۷/۸ درصد) بیشتر از جمله‌های مرکب (۳۲/۲ درصد) است.

نتیجه آزمون آماری با استفاده از نرم افزار اس. پی. اس. اس. ۲۵ به دست آمده، بیانگر آن است که میان فراوانی جمله‌های ساده و مرکب تفاوت معناداری وجود دارد.

$$>0.05 = p_0/0.05\alpha$$

به طوری که بسامد جمله‌های ساده، بیش از جمله‌های مرکب است.

(۴/۲۷ درصد) از حروف همپایه و (۶/۷۲ درصد) از حروف واپسیه هستند.

نتیجه آزمون کای دو نشان‌دهنده این است که میان فراوانی حروف وابسته و حروف هم‌پایه، تفاوت معناداری وجود دارد:  $p_{0.001} = 0.05 > 0.05\alpha$  به گونه‌ای که فراوانی تعداد حروف وابسته‌ساز از تعداد حروف هم‌پایه‌ساز بیشتر است.

از پُعد تعداد اجزای جمله، جمله‌های سه‌جزئی و چهار‌جزئی به ترتیب با (۷۲/۵) (۷/۵) بیشترین و کم‌ترین میزان بسامد را در واستونک‌های مورد بررسی داشته‌اند. همچنین، درصد فراوانی جمله‌های تک‌جزئی و دو‌جزئی به ترتیب ۹/۸ درصد ۱۰/۲ درصد است.

نتیجه آزمون آماری کای دو نشان‌دهنده این است که میان فراوانی جمله‌های سه‌جزئی و دیگر اجزای جمله‌ها تفاوت معنادار وجود دارد:  $\alpha = 0.05 > 0.001$

به طوری که جمله‌های سه‌جزئی به‌طور معناداری بیشتر از جمله‌های یک‌جزئی، دو‌جزئی و چهار‌جزئی است.

با توجه به زبان و لحن ساده و اندیشه حاکم بر ادبیات عامه، همچنین، نتیجه آماری ذکر شده، چنین به‌نظر می‌رسد بسامد بالای جمله‌های ساده به نسبت مرکب، دلیل بر فهم بهتر، آسانتر و زیباتر بودن کلام از نظر مخاطب و سلاست و روانی آن است؛ همچنین، دلیل برتری تعداد جمله‌های سه‌جزئی به دیگر اجزای جمله‌ها، بر این امر دلالت دارد که ذهن شتونده را برای رسیدن به هدف و رسالتی که این گونه از ادبیات عامه در فرهنگ مردمان از گذشته‌های دور تاکنون داشته، نزدیک‌تر می‌سازد و بر تمرکز و تفکر آن می‌افزاید. هدف و رسالت این گونه از ترانه‌ها، سازش‌پذیری، کنار آمدن با مشکلات زندگی، تحمل و شکیبایی، شادکامی از زندگی و... است.

## ۵. نتیجه

واستونک‌ها جزئی از بوم‌سروده‌ها و ادبیات شفاهی در فرهنگ مردمان هر منطقه از کشور است که جزء ادب غنایی است. ترانه‌های ساده و بی‌پیرایه‌ای که با توده مردم سروکار دارد و پر از احساس و عواطف و خیال‌پردازی‌هایی که از نوع جمله‌های

مریم علیرادی و همکار

تشکیل‌دهنده آن آشکار است. بررسی تعداد ۱۲۷ واستونک در فرهنگ مردم شهرستان فسا از بعد ساختار و توجه به نحو جمله‌ها از نظر ساده و مرکب بودن و تعداد اجزای آن‌ها بر اساس آزمون آماری کای دو، نشان داد، بسامد تعداد جمله‌های ساده به تعداد ۲۱۷ (۶۷/۸ درصد) به‌طور معناداری بیشتر از جمله‌های مرکب به تعداد ۱۰۳ (۳۲/۲ درصد) است. از بُعد تعداد اجزای جمله، جمله‌های سه‌جزئی و چهارجزئی به ترتیب با ۷۲/۵ درصد و ۵/۷ درصد بیشترین و کمترین میزان بسامد را در جمله‌های چندجزئی واستونک‌های مورد بررسی داشته‌اند. در جمله‌های یک‌جزئی به تعداد ۵۱ جمله ۹/۸ درصد)، در ۴۱ مورد (۸۰/۴۰ درصد) جمله‌های ندایی و در ۱۰ مورد (۱۹/۶۰ درصد) صوت به‌کار رفته‌اند. منادی جمله‌های تک‌جزئی همچون «ننی عروس، ننی دوماد، شازدوماد، سوریا، بوای عروس، ای حمومنی» و صوت‌ها همچون «لای لای، آی بله، بله» در ساختار جمله‌ها قرار گرفته‌اند.

در جمله‌های دو‌جزئی به تعداد ۵۳ جمله (۲/۱۰ درصد)، ۴۹ جمله (۹۲/۴۶ درصد)، جمله‌های عادی و تعداد ۴ جمله (۷/۵۴ درصد)، جمله‌های استثنایی بدون فعل همچون: خوش‌به‌حال شازدوماد، شکر خدا، دس مریزاد، ای ماشالا شازدوماد است.

از تعداد ۳۷۷ (۷۲/۵ درصد) جمله سه‌جزئی در واستونک‌های یادشده، سهم جمله‌های سه‌جزئی با مسند به تعداد ۱۶۰ جمله (۴۴/۴۰ درصد)، سه‌جزئی با مفعول به تعداد ۱۹۰ جمله (۴۰/۵۰ درصد) و سه‌جزئی با متمم به تعداد ۲۷ جمله (۱۵/۱ درصد) است. همچنین، از مجموع ۳۹ جمله چهارجزئی که ۵/۷ درصد از کل جمله‌های واستونک‌ها را شامل است، جمله‌های چهارجزئی با مفعول و متمم به تعداد ۳۳ جمله (۸۴/۶۱ درصد)، چهارجزئی با مفعول و مسند به تعداد ۳ جمله (۷/۷۰ درصد)، چهارجزئی با متمم و مسند به تعداد ۲ جمله (۵/۱۲ درصد) و دو مفعولی به تعداد یک جمله (۲/۵۷ درصد) را داراست. همچنین، بسامد حروف وابسته‌ساز در جمله‌های مرکب به تعداد ۷۷ (۷۲/۶ درصد)، بیشتر از حروف هم‌پایه‌ساز به تعداد ۲۹ (۲۷/۴ درصد) است.

در انتهای، باید یادآور شد، درصد بالای جمله‌های سه‌جزئی، در اشعار سرور (واستونک‌ها) از آنجاست که این گونه ادب عامه از دل یک فرد ساده و عامی برای بیان

احساسات قلبی و ابراز مفاهیم شادی، غم، احترام، تفاخر و... برآمده است، هم غم را القا می کند، همچون گریه مادر عروس یا جدایی دختر از خانه پدری (ننی عروس گریه می کرد، کاشکی نمی رفتم به در)؛ هم شادی را افرون می دارد (خانم عروس چون ستاره)؛ هم احترام و عزت عروس و داماد را (گچ بیارین پل بیندین)؛ هم تفاخر (ننی عروس پشت کفشهش محمله)؛ حتی رجزخوانی خانوادهها برای یکدیگر (قوچ گله می کشم، جور لشکر می کشم)؛ یا تعریف از مادر عروس و داماد (دس ای مادر مریزاد) را در بردارد. بنابراین، با توجه به این مفاهیم در واستونکها، به نظر می رسد کلام ساده و پرشور و شعف خود را نه بسیار موجز و نه بسیار طولانی (نه یک جزئی و دو جزئی و نه چهار جزئی)؛ بلکه بیشتر در قالب جمله های سه جزئی، بیان می دارند تا ادای این گونه مفاهیم بهتر صورت پذیرد و دیگر اینکه سروdon واستونکها در ارکان سه جزئی، برای تکرار و جای گیری و درک بهتر مطلب در ذهن مخاطب است.

### منابع

#### الف) کتاب:

- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۰). «ست و نوآوری در فرهنگ عامه ایران». زبان و ادبیات فارسی. ش ۳۲. صص ۲۲۳ - ۲۴۸.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). فرهنگ مردم و طرز گردآوری و نوشتن آن‌ها. تهران: چاپخانه وزارت اطلاعات.
- خالق‌زاده، محمد‌هادی (۱۳۹۰). «ترانه‌های کودکان و ادبیات محلی شیراز». مجموعه مقالات همایش ملی ادب محلی و محلی سرایان ایران‌زمین. صص ۲۴۹ - ۲۵۸.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷). «زبان، گونه، گویش، لهجه: کاربردهای بومی و جهانی». ادب پژوهی. ش ۵. صص ۹۱ - ۱۲۸.
- ذوالفقاری، حسن و لیلا احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی بومی سروده‌های ایران». ادب پژوهی. ش ۷ و ۸. صص ۱۴۰ - ۱۷۰.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۲). انواع شعر فارسی. شیراز: نوید.
- طاهره، فاطمه (۱۳۸۱). ترانه‌های زندگی زنان. تهران: ثالث.
- طوفان، جلال (۱۳۸۱). شهرستان جهرم. شیراز: کوشما مهر.

- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۱). «فرهنگ عامه و ادبیات عامیانه فارسی». نامه فرهنگ. ش ۳۹.
- فقیری، ابوالقاسم (۱۳۸۵). سیری در ترانه‌های محلی. شیراز: نوید.
- محجوب، محمد جعفر (۱۳۸۲). ادبیات عامیانه ایران. به کوشش حسن ذوق‌القاری. تهران: چشمها.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- وحیدیان کامیار، تقی و رضا عمرانی (۱۳۸۹). دستور زبان فارسی (۱). تهران: سمت.
- هدایت، صادق (۱۳۹۴). نوشه‌های پراکنده. تهران: ثالث.
- همایونی، صادق (۱۳۷۹). ترانه‌های محلی فارس. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- (۱۳۵۶). ترانه‌های جنوب. بی‌جا: اداره فرهنگ عامه.
- ب) منابع شفاهی (مصاحبه‌شوندگان):
- شیرین نصیر، ۸۰ ساله.
- اقدس علیزادگان، ۷۲ ساله.
- زهرا بیگم علیرادی، ۷۵ ساله.
- ثریا قلی‌زاده، ۶۵ ساله.
- صغیری رهنورد، ۶۹ ساله.
- منیژه علیرادی، ۶۹ ساله.
- معصومه غزنوی، ۵۲ ساله.
- مرضیه جهانگیرنژاد، ۵۰ ساله.

## Sentence Components in a Selected Wastunks of Fasa City

Maryam Alimoradi<sup>1</sup> \* Behjat Najibi Fini<sup>2</sup>

1. Faculty member of Islamic Azad University of Bandarabas.  
2. Lecturer at Payam Nour University of Bandarabas

Received: 14/12/2019

Accepted: 17/04/2020

### Abstract

Folk literature, or oral literature, is the forerunner of the written literature. Its orators were pure and reliable people who were not much literature. These folklores stayed with us through their transfer between generations. Part of the folk and oral literature is the "wedding songs" labelled differently in various parts of the country. In Fasa county, this type of literature is known as "Astunk or Wastunak". The present article examines the syntactic structure of this type of oral literature in terms of the type and components of the sentences in popular culture. To this aim, through field study and interview with older and preferably illiterate women, 127 Wastunaks from the folk culture of Fasa were collected and transcribed. They were, then, analyzed syntactically (type and components of the sentence). The data was fed into SPSS 25. The results show that the frequency of the simple sentences is more than the compound ones and in most compound sentences, the subordinates are omitted for the rhythm of the poems. Finally, the three-part and four-part sentences had the highest and lowest frequencies in the Wastunak, respectively.

**Keywords:** Folk literature; Fasa; Wastonak; type and sentence components.

---

\*Corresponding Author's E-mail: b12alimoradi@yahoo.com.